



۲۰۱۹/۰۱/۲۷

هارون یوسفی

## به طالب بچه های سرگردان



این «قضیه» من و تو در کوچه حل نمیشه  
با راکت و تفنگ و جنگ و جدل نمیشه  
وقتی که کشته میشی، قلبم دویاره میشه  
خونم برای تو هم، قند و عسل نمیشه  
در خانه گفته بودی: ماه حمل می آیم  
حوت است، حوت و حوت است، ماه حمل نمیشه  
نام خدا جوانی! برگرد و نامزد شو  
در دشت و کوه و صحرا ماه عسل نمیشه  
خواهر در انتظارت، دیده به راه، مادر  
در خانه ات چراغی، یک بار بل نمیشه  
بازآ به خانه خود، یک آش و قابلی زن  
با شفتل و سبوس و نان دبل نمیشه  
بیدار شو برادر، بگذر ز کینه و شر  
پیش خدا رسیدن با مکر و چل نمیشه

ای طالب کرامت، ای تشنه سلامت

هرگز رفیق راهت، شیخ الاجل همیشه

تو از دیار مایی، از کس مکن گدایی

این شعر ناتمامم، بی تو غزل همیشه



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به طالب بچه های سرگردان

[Yousofi\\_haroon\\_bataleb\\_batshahaaye\\_sargardaan.pdf](#)